

واکاوی کاربرد معانی حرف اضافه «از» تا پایان قرن ششم

(مطالعه موردی در چهار کتاب:

تاریخ بلعمی، تاریخ بیهقی، قابوس‌نامه و جامع‌الحکمتین)

زهره قصاب پور*

ابوالقاسم رادفر**، علیرضا شعبانلو***، علی ربیع****

چکیده

شناخت معانی حروف اضافه از جمله «از» به دلیل نقش تعیین‌کننده‌ای که در القای مقصود دارد، ضروری است. به‌منظور شناخت بیشتر «از»، با رویکرد سبک‌شناسی زبانی در سطح لغوی و با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی کاربرد بیست‌ونه معنی «از» در تاریخ بلعمی، تاریخ بیهقی، قابوس‌نامه و جامع‌الحکمتین مربوط به دوره اول و دوم نثر فارسی پژوهش شده است. هدف این تحقیق تسهیل درک مفاهیم متون این دو دوره، یافتن اشتراک، افتراق، درصد کاربرد معانی «از» و تعمیم آن در دیگر آثار مشابه براساس سبک‌شناسی زبانی است. شناخت معانی این حرف می‌تواند ابزاری برای تفسیر و تبیین درست متون باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در مقایسه مجموع آثار با یکدیگر بیشترین و کمترین بسامد «از» به ترتیب به تاریخ بلعمی با ۲۹/۷۴ درصد و تاریخ بیهقی با ۱۹/۶۴ درصد اختصاص می‌یابد. اما در مقایسه دو دوره، بسامد «از» در دو کتاب دوره اول ۵۱/۳۴ درصد و در دو کتاب دوره

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد، تهران جنوب،
zohreh.ghassabpoor@yahoo.com

** استاد پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)
agradfar@yahoo.com

*** استادیار پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
alirezashabanlu@gmail.com

**** استادیار زبان‌شناسی دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد، تهران جنوب،
ali.rabi22@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲

دوم ۴۸/۶۶ درصد است. هم‌چنین پرکاربردترین معنی این حرف به «تبعیض» با ۴۴ بار در دوره اول و کم‌کاربردترین معنی به‌طور مشترک به «توضیح» و «مصاحبت» در دوره اول؛ «انتساب»، «فصل و تمیز» و «برای» در دوره دوم هرکدام تنها با یک تکرار اختصاص می‌یابد. دیگر معانی «از» با توزیع تقریباً یکسانی در هر دو دوره به‌کار رفته‌است درحالی‌که در تقابل معانی توزیع مشخصی وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: معانی حرف اضافه «از»، بسامد، قابوس‌نامه، تاریخ بلعمی، تاریخ بیهقی، جامع‌الحکمتین

۱. مقدمه

حرف اضافه (preposition) «از» جزء تکواژهای دستوری (grammatical morpheme) است که برای نشان‌دادن پیوندهای دستوری (grammatical relations) یا نقش‌های معنایی (semantic roles) به‌کار می‌رود. «این کلمه در پارسی باستان به‌صورت hačā آمده‌است. در اوستایی نیز به‌صورت hača وجود دارد. در فارسی میانه az، در پهلوی به‌صورت az̄ و مخفف آن «ز» نیز در شعر بسیار به‌کار می‌رود» (خانلری، ۱۳۹۵: ۳/ ۳۱۱).

این حرف اضافه غیرمستقل که نقش دستوری کلمات دیگر را نشان می‌دهد؛ به همراه حروف ربط، معرفه، نکره و ندا، نقش‌نما (Function words) نامیده شده‌اند (مدرّسی، ۱۳۸۷). «ویژگی مهم این حرف نقش‌دهی و عدم استقلال معنای آن است» (خیام‌پور، ۱۳۸۴: ۱۰۳). حرف اضافه/ پیشواره از در زمره واژه‌هایی است که برای نشان‌دادن مقام و نقش کلمه در جمله به‌کار می‌روند. ظاهر شدن حروف اضافه از جمله «از» و تمام تکواژهای صرفی در جمله به‌لحاظ الزامات نحوی است (غلامعلی‌زاده، ۱۳۸۲).

معنی اصلی حرف اضافه «از»، نقطه آغاز زمانی یا مکانی است و معانی متعدد دیگر همه فرعی و مجازی شمرده می‌شوند. به دلیل اینکه تقریباً هیچ‌وقت تکواژ نقش‌نمای جدیدی وارد زبان نمی‌شود «از» و دیگر تکواژهای نقش‌نما را طبقه بسته واژه‌ها (derivational morpheme) نامیم (Yule, 2010). این تکواژهای طبقه بسته یا محدود زبان علاوه بر اینکه به نام‌های دستوری (Grammatical words)، نقش‌نما (Function words) و تکواژهای طبقه بسته به‌کار می‌روند، آن‌ها را ساختمانی (Structural words) یا نشانه نیز نامیده‌اند (فرشیدورد، ۱۳۹۳). تکواژ «از» و دیگر تکواژهای دستوری نقش‌نما، به تنهایی به‌کار نمی‌روند و معنی آن‌ها با پیوستن به تکواژهای دیگر یا همراهی با کلمات و عبارات دیگر،

آشکار می‌شود (باقری، ۱۳۹۳). به علت وابسته بودن آن‌ها به اجزای جمله، وقتی به سازه‌ای (کوچک‌ترین جزء معنی‌دار در زبان) افزوده می‌شوند، نقش نحوی آن سازه را در جمله نشان می‌دهند (امین مدنی، ۱۳۹۴).

۲. ضرورت تحقیق

براساس شواهد موجود پژوهش موضوعی در زمینه کاربرد معانی «از» که مربوط به یک اثر خاص و یا یک دوره نظم و نثر فارسی باشد انجام نشده است و تحقیق اغلب پژوهشگران در این زمینه، مختصر و جزئی است و مثال‌هایی به صورت پراکنده از کتاب‌های نثر و نظم بدون در نظر گرفتن بازه زمانی آن آثار ذکر کرده‌اند. شناخت معانی این حرف به دلیل نقش مرکزی و تعیین‌کننده آن در القای مقصود، می‌تواند ابزاری برای تفسیر و تبیین درست متون باشد.

۳. اهداف طرح و پرسش‌های تحقیق

تحقیق حاضر قصد داشته است که برای تسهیل درک مفاهیم متون شاخص دوره اول و دوم نثر فارسی و تعمیم آن در دیگر آثار مشابه، میزان مختصات کارکردهای معانی حرف اضافه «از» را در دو دوره نثر فارسی (اول و دوم) تحلیل و مقایسه کند. جهت نیل به این هدف، شباهت‌ها و تفاوت‌های سبک‌شناسی زبانی در سطح لغوی این حرف اضافه در آثار منتخب مورد پژوهش قرار گرفته است.

۴. پیشینه تحقیق

در زبان فارسی شماری از پژوهشگران برجسته در زمینه حروف و معانی آن، تحقیقاتی انجام داده‌اند که آثار هر یک در خور تحسین و ستایش است. دهخدا در لغت‌نامه ۶۴ معنی «از» را با استناد به شواهد نظم و نثر ذکر کرده است (۱۳۳۷). بهار کارکردهای متفاوت حرف اضافه «از» را در گذشته بیان کرده است (۱۳۳۷). خطیب‌رهبر نیز با مثال‌هایی از کتاب‌های مختلف ۲۹ معنی برای حرف اضافه «از»، ارائه داده است (۱۳۶۷). در حالی که خیام‌پور فقط به نشانه مفعولی «را» اشاره کرده است (۱۳۸۴). لازارد نیز در دستور زبان فارسی معاصر فقط یک معنی «از» (= منشأ) را نام برده است (۱۳۸۴). ابوالقاسمی در بخش‌هایی از کتاب دستور

تاریخی به کارکرد حروف اضافه و ربط در ایران باستان، میانه غربی و زبان فارسی دری پرداخته‌است (۱۳۹۲). هم‌چنین فرشیدورد در فصل پایانی کتاب دستور تاریخی زبان فارسی به حروف اضافه و ربط پرداخته‌است (۱۳۹۳). خانلری در کتاب تاریخ زبان فارسی با تکیه بر زبان‌شناسی تعدادی از معانی ۲۹ حرف دستوری را ارائه داده‌است (۱۳۹۵). احمدی‌گیوی و انوری به اختصار به نُه معنی از پرداخته‌اند (۱۳۶۸). روبینچیک (Rubinchik) نیز دستور ادبی زبان فارسی معاصر را از سطح آوا تا جمله تحلیل کرده‌است که بسیاری از این تحلیل‌ها تاریخی، جامعه‌شناسی و مسائل زبانی است (۱۳۹۱). گلفام روش کتاب‌های دستور زبان فارسی را در ارائه معانی حروف اضافه سنتی می‌داند و در مقاله «بررسی حرف اضافه از» نشان می‌دهد که رویکرد شناختی می‌تواند نسبت به رویکردهای سنتی تحلیل بهتری از معناشناسی حروف اضافه مکانی به دست دهد (۱۳۸۸). زاهدی و محمدی‌زیارتی در مقاله خود با ارائه تحلیلی شناختی، مفهوم پیش‌نمونه و مفاهیم متمایز حرف اضافه «از» را مشخص و شبکه معنایی آن را ترسیم می‌کنند (۱۳۹۰). چنگیزی و هاشمی‌کمانگر نیز در مقاله خود کارکرد اصلی حرف اضافه «از» را در نقش معنایی «همراهی» و حفظ این کارکرد در حرف اضافه /ja/ در گونه بابلی زبان مازندرانی با استدلال به پیشینه تاریخی این معنی بیان می‌کنند (۱۳۹۵). وحیدی‌فردوسی و همکاران در مقاله خود سعی دارند تا با تکیه بر دستاوردهای رویکرد معنی‌شناسی شناختی که طرح‌واره‌های تصویری از مهم‌ترین آن‌ها است، رهیافت جدیدی جهت یادگیری معنادار و ماندگارتر حرف اضافه «از» در زبان فارسی ارائه کنند (۱۳۹۶). چنگیزی نیز در مقاله خود نقش‌های معنایی حرف اضافه «از» را در زبان‌های اوستایی، فارسی باستان، فارسی میانه، پارتی، فارسی دری و فارسی امروز با استفاده از داده‌های دستور این زبان‌ها و نیز واژه‌نامه‌های هریک بررسی کرده‌است (۱۳۹۷).

این پژوهش‌ها هریک نگاهی جزئی به معنی «از» داشته‌اند درحالی‌که تحقیق حاضر کارکردهای تمام معانی حرف اضافه «از» را در متون شاخص و منتخب دوره اول و دوم نثر فارسی مبتنی بر سبک‌شناسی زبانی در سطح لغوی مورد پژوهش قرار داده‌است.

۵. روش تحقیق

این پژوهش یک بررسی سبک‌شناسانه در سطح زبانی (Literally Level) محسوب می‌شود که از دیدگاه لغوی (Lexical) با روش توصیفی-تحلیلی و به کمک دستور زبان فارسی کارکردهای معانی حرف اضافه «از» در بازه قرن چهارم تا ششم، در ۱۲۰۰ سطر (هرکتاب

۳۰۰ سطر) از چهار کتاب تاریخ بلعمی و تاریخ بیهقی، دو نثر شاخص ادبی - تاریخی دوره اول، سامانی، و قابوس نامه و جامع الحکمتین به ترتیب دو نثر حکمی و فلسفی دوره دوم، غزنوی و سلجوقی اول، براساس تقسیم‌بندی سبک‌شناسی بهار تحقیق شده است (ن.ک. بهار، ۱۳۳۷: ۵۴/۲-۸۵). بدین جهت، از این آثار ۵۶۵ مورد حرف اضافه «از» استخراج شد و کارکرد معانی این حرف در مقایسه دو دوره با هم، و همچنین در تقابل معانی با یکدیگر از لحاظ تعداد و تنوع در بافت این متون مورد پژوهش قرار گرفت. در هر دوره علاوه بر ذکر ارقام، ذیل کارکردها میزان درصد نیز مشخص شده است (جدول ۱ و ۲). ارقام و اعداد در این جستار علمی با ترسیم نمودار نشان داده شده است (شکل شماره ۱). پیکره این پژوهش بر اساس کاربرد معانی «از» در چهار کتاب منتخب دو دوره است.

۶. بحث و تحلیل کاربردهای معانی حرف اضافه «از»

حاصل بررسی‌های انجام شده درباره کاربرد معانی حرف اضافه «از» در دو قسمت، بخش نخست نمونه‌های استخراج شده بیست و نه معنی این حرف در چهار کتاب دوره اول و دوم نثر فارسی، و بخش دوم آن کاربرد معانی «از» در تقابل با یکدیگر در آثار منتخب که صورت مشترک به کار رفته است، مورد پژوهش قرار گرفته است (جدول شماره ۲). پرکاربردترین معانی «از» به «تبعیض» در دوره اول، و کم‌کاربردترین معانی آن به تساوی در دو دوره به «توضیح» و «مصاحبت» در دوره اول، و «انتساب»، «فصل و تمیز» و «برای» در دوره دوم اختصاص یافته است.

۱.۶ معانی حرف اضافه «از» به اختصار

- ۱) «از» ابتدای غایت در زمان: حرف اضافه «از»، نماینده اصلی ابتدای غایت (مکان و زمان) در زبان فارسی به‌شمار می‌آید که بر آغاز زمان دلالت می‌کند.
«یادکنند که از گاه آدم باز چند است» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۵).
- ۲) «از» ابتدای غایت در مکان: حرف اضافه «از» ابتدا و آغاز یک مسیر را بیان می‌کند و از آن جا که متمم آن بر مکان دلالت می‌کند این مسیر می‌تواند به معنای مسیر حقیقی یا مجازی باشد.

«همه جهان از مشرق تا مغرب او را گردد و خود فرمانبردار او باشند» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۱۴). «به مذهب ایشان ... خدای تعالی از جایی به جایی شود» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۴۳). «همه لشکر در سلاح صف کشیده بودند از نزدیک سرای پرده تا دورجای از صحرا» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۴۴).

۳) «از» اختصاص: معنی اختصاص «خاص گردانیدن به چیزی» و «ویژه کردن به» است. ویژگی اختصاص در حرف «از» این است که چیزی را خاص چیز دیگر می‌کند. بعضی از دست‌نویسان معنی «وظیفه» را نیز بر آن اطلاق کرده‌اند اما چون مصداق کلی ندارد، کاربرد این معنی درست نیست.

«شتابزدگی اندر کارها از کار دیو است» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۱۸). «بدین شدت‌ها از ما را نعمت‌یست» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۵). «اندر آن فرمانی از آن خداوند ماضی، رضی‌الله عنه، نگاه داشتند» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۴۴). «خدای تعالی زکات‌دهندگان را از مقرران خود خواند» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۲۲).

۴) «از» استعانت و واسطه: در مفهوم «کمک‌خواستن از چیزی یا کسی» است. که واسطه و وسیله را در انجام کاری نشان می‌دهد. حرف اضافه اصلی بیان‌کننده این معنی در زبان فارسی «با» است اما حروف دیگر از جمله «به» و «از» نیز می‌توانند نشان‌دهنده این مفهوم باشند.

«از کارکردن ایشان مرا افزونی نیست» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۸). آن پیغامبر از آدم علم آموخته بوده است» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۱۴). «آنچه نهاده‌آید از مال ضمانی می‌دهد» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۵۲). «زندگانی من از آن نان بود» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۳۱).

۵) «از» تبعیض: «بهره‌بهره گردانیدن چیزی را»، جداکردن برخی را از برخی دیگر و بعضی را بر بعضی دیگر ترجیح دادن است. «تبعیض» در حرف اضافه «از» بر بیان جزئی از افراد یک جنس اطلاق می‌شود و نشان می‌دهد که چیزی جزئی از چیز دیگر است.

«شداد اسب بر انگیخت و از پس او بشد و از سپاه جدا گشت» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۱۲۲). «اندر آسمان از چندین هزار ستاره که همی بینیم، هفت است که گردنده است» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۱۵). «خدای عزوجل، شاخ بزرگ را از اصل ملک که ولی عهد به حقیقت بود به بندگان ارزانی داشت» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۴۴). «بی‌سازان را سفر فرمودن نه از دانش بود و بی‌ساز سفر کردن اندر تهلکه بود» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۲۰).

۶) «از» انتساب: به معنای «بیان اصل و نسب و بیان تعلق» است. منشأ تعلق می‌تواند یک مکان یا یک گروه و موارد دیگر باشد. نماینده اصلی حروف اضافه در زبان فارسی در افاده این معنی «از» است که در قالب معنای اصلی خود، ابتدای غایت، می‌تواند مفید معنای انتساب یعنی وابستگی چیزی به چیزی نیز واقع شود.

در متون قدیم و جدید زبان فارسی نمونه‌هایی از این دلالت وجود دارد که در اغراض مختلف نظیر فخر، تحقیر برای معرفی خود یا شخص دیگر به مخاطب به کار رفته است.

«اگر ترا از من پسری آید او را خلیفت خویش کنی» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۲۰). «دارویی که آن را از چین آرند نیم‌درم سنگ باید» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۱۴). «با پدر و مادر خویش چنان باش که از فرزندان خویش طمع‌داری که با تو باشند» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۲۵).

۷) «از» تبیین جنس: حرف اضافه «از» کلمه ماقبلش را توضیح می‌دهد و جنس و ماهیت آن را مشخص می‌کند.

«مردم دشتی باشند و وحشی ... و پوشش ایشان از گیاه بود» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۱۸). «سپاس داریم مر خدای را تعالی وحده، بر آنک ما را از خاک بیافرید» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۳). «و حاضرانی که بودند از هر دستی، برتر و فروتر، آن فرمان‌ها را به طاعت و انقیاد پیش رفتند» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۴۴). «چون موم نقش‌پذیرتر از سنگست، از موم مهر سازند و از سنگ نسازند» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۱۰).

۸) «از» تعلیل یا سببیت یا تعلیل به معنی «بیان علت و سبب» و «برهان و دلیل» است. حرف «از» به بیان علت و سبب فعل می‌پردازد. نماینده اصلی معنای تعلیل در میان حروف اضافه حرف «برای» است؛ و در کنار آن، حروف دیگری از جمله «از» نیز می‌تواند به سهم خود، مفید معنای تعلیل واقع شود.

«همه خلق او را سجود کردی از نیکویی ماه» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۳۳). «دین اسلام را از جهل ایشان خوار گرفت» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۱۶). «سزد از نظر و عاطفت خداوند عالم ... که آنچه به اول رفت از بندگان تجاوز فرماید» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۴۴). «تنت از کاهلی و دوستی آسایش ترا فرمان نبرد» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۳۵).

۹) «از» تفصیل: به معنای بسط‌دادن کلام به منظور روشن‌تر ساختن آن است. کاربرد این دلالت از معنی حرف اضافه «از» را در زبان عامیانه و گفتگوهای روزانه به کار می‌بریم که به بیان اجزای چیزی می‌پردازیم. مثلاً وقتی که به دوست خود می‌گوییم: «از کارت تعریف‌کن»

در این جمله کلمه «کارت» دارای ابهام است اما حرف اضافه «از» امکان بسط و توضیح کلمه «کارت» را مهیامی کند تا مخاطب مقصود گوینده را بهتر درک کند.

«پرسیدند که ستاره چند است از رونده و ایستاده» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۱۷). «دیگر گروه متکلمانند از معتزله و کرامی» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۳۳). «همه بزرگان سپاه را از تازیک و ترک با خویشتن برد» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۴۷). «... بر او بینی از نبات و حیوان و خورش‌ها و پرورش‌ها و پوشیدنی و انواع خوبی» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۱۴).

۱۰) «از» تکثیر در وصف: به معنای زیادکردن چیزی، افزایش و افراط است. در این دلالت حرف اضافه «از» بر سر صفتی می‌آید که پیش از آن صفت اسم اشاره «این» آمده باشد و از این ترکیب بسیاری وصف دریافت شود.

«منازل بیست و هشت که ماه هر شبی به منزلی از این منزل‌ها باشد» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۱۷). «و به جای خویش اندرین کتاب ازین معنی سخن به شرح گوئیم» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۸). «و ازین حال‌ها که برفت و آمدن رایت عالی، نصره‌الله، به هرات به طالع سعد آگاهی دادند» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۴۵). «تمامی روزی خوار به پیغامبر رهنمای که ازین ترتیب هیچ کم نشاید» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۱۵).

۱۱) «از» سوی و جانب: این حرف در این معنی برجهت و جانب فعل دلالت می‌کند. «از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت کنند» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۶). «و چون من از حضرت مقدسه نبوی امامی... بدین زمین بازآمدم» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۱۷). «نامه از تگیناباد برسد» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۴۶). «در روزه مهری است از خداوند ملک بر ملک خویش» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۱۸).

۱۲) «از» ظرفیت در مکان: ظرفیت مکانی به معنی «درون، میان، درمیان و مابین» است. در زبان فارسی معرف اصلی این معنی حرف اضافه «در» است؛ اما «از» و برخی حروف دیگر گاه القاکننده مفهوم ظرفیت هستند.

«و از زمین نبات روید تا ایشان بخورند» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۹). «نیشند بندگان از تگیناباد روز دوشنبه سوم شوال» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۴۳). «زاد او ازین سرای باید جست» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۵).

۱۳) «از» ظرفیت در زمان: ظرفیت زمانی در زبان فارسی به معنای «در هنگام» است. «پس از چهل سال دو تن پیکر از زمین برآمدند» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۶). «به حشر آرزومی کنند که همچنان خاک بوند کز اول بودند» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۳).

(۱۴) «از» ظرفیت مجازی: بودن چیزی در چیزی یا وقوع فعلی را در زمان یا مکان به صورت مجاز (غیرحقیقت) نشان می‌دهد.

«وز نامه بهرام بن بهرام همیدون گوید» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۵). «حشویان گفتند: بدین سخن جهودان را همی خواهد که نعت پیغامبر از تورات بگردانیدند» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۴۱).

(۱۵) «از» توضیح: این حرف در معنی «واضح و آشکار کردن امری» است. «از» در این معنی بر رفع ابهام دلالت می‌کند و بدین گونه معنی را آشکارتر و صریح‌تر بیان می‌کند. امروزه مفهوم معادل این حرف اضافه «از نظر» و «از جهت» است.

«نخست این قصیده را کز خاطر این ملک زاده یافتیم، ثبت کنیم» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۱۸). «در هر چه کند عدل است و ملک روی زمین از فضل وی رسد» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۴۳). «جاهل از مال زود مفلس شود» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۲۶).

(۱۶) «از» فصل و تمیز: بر بازشناختن دو چیز از یکدیگر دلالت می‌کند. «به دل اندر عقل نهاد تا حق از باطل بدانند» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۹). «دو گروه از آن کرد تا ... و برتران از فروتران پیدا شوند» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۲۲).

(۱۷) «از» مترادف «به»: کاربرد حرف اضافه «از» در معنی «به» است. «بگوی که روح از فرمان خداوند من است» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۱۸). «هر کدام سوی ما روی بتابیم روی خدای از آن سوی باشد» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۴۰). «سه خیل‌تاش مسرع را نیز هم ازین طراز به غزنین فرستادند» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۴۵). «مرا بدان جهان از فاطمه زهرا رضی الله عنها شرم آید، ازین جهت نخواهم» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۱۳۸).

(۱۸) «از» مترادف بر: در معنی «استعلا/ بر» بر مشرف بودن چیزی بر چیزی دلالت دارد. «بر» مقابل «زیر» برای استعلاست. نماینده اصلی این معنی در میان حروف اضافه، حرف اضافه «بر» است اما حرف اضافه «از» نیز می‌تواند مفید این معنی واقع شود.

«از سر تخت پدر، تدبیر آن دیار از لونی دیگر پیش گرفته آید» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۵۳). «باب ششم در فزونی گهر از فزونی خرد و هنر» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۲۷).

(۱۹) «از» مترادف درباره: کاربرد حرف اضافه «از» در معنی «درباره» است.

«اما آنچه پرسیدند از اصحاب الاخدود» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۱۸). «سپس ازین مستوفی (شرح کنیم)» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۶۵). «از حال ناحیت گرگان از من همی پرسید» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۴۲).

- (۲۰) «از» مقابله: «از» بر روبه‌رو شدن دو چیز دلالت می‌کند و در معنای اصطلاحی، عوض کردن چیزی با چیز دیگر و یا قرار گرفتن چیزی در مقابل چیز دیگر است. «نفس حسنی خورنده از چیزی که از آن مزه نیابد قوی‌نشود» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۱۰). «اکنون اینجا شحنه‌ای می‌گماریم به اندک‌مایه مردم آزمایش را تا خود از شما چه اثر ظاهر شود» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۵۵). «در شرط است منزّه داری این اندام‌ها را از فجور و ناشایست» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۱۸).
- (۲۱) «از» مقدار و اندازه: هم‌اندازه بودن چیزی را با چیزی نشان می‌دهد و یا بر واحد مقیاس چیزی دلالت می‌کند. «کمری از هزارمقال پیروزه‌ها درنشانده» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۱۶۹). «فزون از صد تا اشتر زیر بار او بود» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۲۱).
- (۲۲) «از» موافقت و مطابقت: در معنی یکسانی و «موافقت است. این حرف در این معنی نشان می‌دهد که کاری موافق، سازگار و با مراعات چیز دیگری انجام گرفته است. در زبان فارسی بیان‌کننده اصلی این معنی، حرف اضافه «بر» است اما معنای اصلی حرف «بر» مطابقت نیست بلکه استعلا است ولی گاه حرف «بر» نیز در قالب معنای اصلی خود مفید این معنا واقع می‌شود. بعضی از حروف از جمله «از» نیز می‌توانند بر این معنا دلالت کنند. «ولیکن از حکمت چنین واجب‌آمد که بیافریدشان» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۸). «نامه نشتند از فرمان او به برادرش به تهنیت و تعزیت» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۵۴). «حق پدر و مادر بشناس که حق شناختن پدر و مادر هم از فرمان خدای تعالی است» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۲۳).
- (۲۳) «از» کسره اضافه: حرف اضافه «از» در جایگاه نقش‌نمای کسره است. «چون این سخن بگفت بر جای بیفتاد و بمرد، و خون از گلوش بازایستاد» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۳۳۸). «و هر حادثی را پنج علت لازمست: نخست ازو علت فاعله» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۷). «همه لشکر در سلاح صف‌کشیده بودند از نزدیک سرای‌پرده تا دورجای از صحرا» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۴۴). «پس آفریدگار تقدیر سفر کرد بر خداوندان نعمت تا داد نعمت بدهند و بر از نعمت بخورند» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۲۱).
- (۲۴) «از» مقایسه: دو چیز را با هم سنجیدن است. «از» در این معنی نسبت و سنجش دو چیز را نشان می‌دهد.

واکاوای کاربرد معانی حرف اضافه «از» تا پایان قرن ششم ... ۳۷

«و چنانک نفس حسّی از طعام و شراب مزه جوید، نفس ناطقه نیز از دیدن و شنودن علم معنی جوید» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۱۰). «ستاره از داد و بی داد همچنان بی آگاهیست که زمین از بردادن» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۱۴).

(۲۵) «از» تعریف (معرفی صفت تفضیلی): تعریف به معنای شناساندن یک ماهیت است و وقتی ابراز می شود که آن ماهیت برای مخاطب ناشناخته است و یا قصد گوینده، تعریف واضح تر و ملموس تری از آن و بیان کننده اغراض دیگر مانند: مبالغه، شکوه، تضرع و ... باشد. «از» در این معنی در وقت قیاس دو چیز، طرف دوم سنجش را می شناساند. «پس آن جهودان از تورات بیست و هشت مسأله بیرون کردند هرچه مشکل چنانکه به همه تورات اندر از آن مشکل تر نبود» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۱۲). «پس کافر مارترا از مارست» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۱۷۶). «ما را از وی عزیزتر کس نیست» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۴۸). «دران قافله ازو منعم تر کس نبود» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۲۱).

(۲۶) «از» برای: کاربرد حرف اضافه «از» در معنی «برای» است. «همه اقربای تو پیش از تو بمیرند چنانکه کس از تو باز نماند» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۴۵).

(۲۷) «از»: کاربرد حرف اضافه «از» در معنی نشانه مفعولی «را» است. «خدای از ابلیس یاد کرد» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۵۶). «آغاز سخن از سپاس خدای کنیم» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۲). «نیشند بندگان ... از احوال لشکر منصور که امروز اینجا مقیمند» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۴۳). «چون ازین علّت های نهانی تجسس کردی از آشکارا نیز بجوی» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۱۱۸).

(۲۸) «از» مصاحبت و معیت: این حرف در این معنی بر مصاحبت و همراهی چیزی با چیز دیگر یا شخصی با شخص دیگر دلالت می کند. حرف مصاحبت به نام های «معیت»، «همراهی» و «ملازمت» نیز نامیده شده است. معرف اصلی این حرف در زبان فارسی حرف «با» است اما حروف دیگر مانند «به» و «از» نیز به معنی مصاحبت به کار رفته اند. «گفتند قصد صانع عالم به اوّل این صنع حاصل کردن مرد بود، تا از صنعتش به آخر مردم پدید آمد» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۷).

۲۹) «از» مجاوزت: بر «انصراف چیزی از چیزی» و «گذشتن از جایی» دلالت می‌کند. حرف اصلی القاکننده این معنی در زبان فارسی، حرف «از» است اما حروف دیگر از جمله «به» نیز می‌توانند بر این معنی دلالت کنند. مجاوزت بر دو قسم حقیقی و مجازی است. «آرش از سر کوه تیر بینداخت و تیر او ... از این همه شهرها و بیابان بگذشت» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۲۵۶). «وزین بیت‌ها گذشتیم» (ناصرخسرو، ۱۳۶۳: ۱۶۶). «و وی هر یکی را گرم پرسیدی و معذرت کردی تا از وی برگزشتندی» (بیهقی، ۱۳۹۰: ۶۵). «اگر خواهی ... از پایگاه طلب بگذری علم استقصات و ... طلب کن» (عنصرالمعالی، ۱۳۶۴: ۱۷۹).

۲.۶ بررسی و تحلیل بسامد و کاربرد معانی حرف اضافه «از»

در این بخش فراوانی «از» و تنوع کارکرد معانی آن در آثار دو دوره، تحلیل شده است.

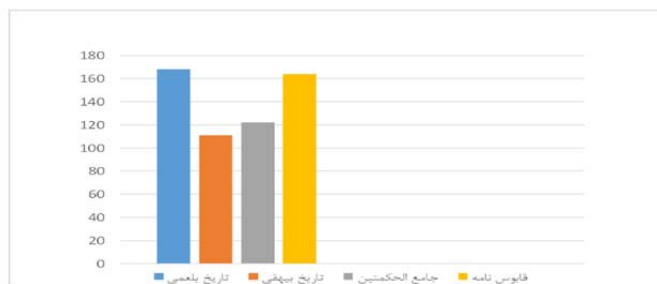
۱.۲.۶ بررسی و تحلیل جدول و شکل شماره ۱

با استخراج معانی حرف اضافه «از» در چهار کتاب میزان فراوانی این حرف به دست آمد. در مقایسه دو دوره با یکدیگر بیشترین درصد فراوانی «از» با ۵۱/۳۴ درصد به مجموع دو کتاب دوره اول (تاریخ بلعمی و جامع‌الحکمتین) اختصاص یافته است. سپس دو کتاب دوره دوم (قابوس‌نامه و تاریخ بیهقی) با ۴۸/۶۶ درصد در جایگاه بعدی قرار گرفتند (جدول شماره ۱). هم‌چنین کاربرد معانی «از» در تقابل مجموع آثار با یکدیگر بیشترین و کمترین بسامد به ترتیب مربوط به تاریخ بلعمی با ۲۹/۷۴ و تاریخ بیهقی با ۱۹/۶۴ است. بسامد بیشتر «از» در نثر دوره اول نشان‌دهنده ویژگی سبکی تکرار در تاریخ بلعمی و بسامد کمتر آن در نثر دوره دوم بیان‌کننده مختصات سبک خاص بیهقی است (شکل شماره ۱). ویژگی اطناب، حذف و ممانعت از تکرار به منظور نوآوری وی در آفرینش اثر بوده است (ن.ک. شمیسا، ۱۳۹۳: ۵۹-۶۳).

جدول ۱. تعداد و درصد حرف اضافه «از» در چهار کتاب

عنوان کتاب	تعداد حرف اضافه «از»	درصد حرف اضافه «از»
۱ تاریخ بلعمی	۱۶۸	۲۹/۷۴
۲ تاریخ بیهقی	۱۱۱	۱۹/۶۴
۳ جامع‌الحکمتین	۱۲۲	۲۱/۶۰

۴	قابوس نامه	۱۶۴	۲۹/۰۲
۵	جمع کل	۵۶۵	%۱۰۰



شکل ۱. نمودار فراوانی مطلق حرف اضافه «از» در چهار کتاب به تفکیک

۲.۲.۶ بررسی و تحلیل جدول شماره ۲

در جدول شماره ۲ تعداد کاربرد معانی «از» در آثار دو دوره نشان داده شده است.

جدول ۲. فراوانی و درصد کاربرد معانی حرف اضافه ساده «از» در چهار کتاب

معانی	تاریخ بلعی		تاریخ بیهقی		قابوس نامه		جامع الحکمتین		مجموع جمع کل
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
۱ ابتدای غایت (زمان)	۲۱	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۱
۲ ابتدای غایت (مکان)	۲	۱۵	۱۰	۷۷	۰	۰	۱	۸	۱۳
۳ اختصاص	۱۴	۳۸	۵	۱۳	۱۰	۲۷	۸	۲۲	۳۷
۴ استعانت و واسطه	۳	۱۱	۶	۲۲	۱۴	۵۲	۴	۱۵	۲۷
۵ تبعیض	۲۱	۳۰	۱۸	۲۵	۹	۱۳	۲۳	۳۲	۷۱
۶ انتساب	۳	۴۳	۰	۰	۱	۱۴	۳	۴۳	۷
۷ تبیین جنس	۹	۵۰	۳	۱۷	۳	۱۷	۳	۱۶	۱۸
۸ تعلیل	۱	۱۱	۳	۳۳	۴	۴۵	۱	۱۱	۹
۹ تفصیل	۴	۱۹	۸	۳۸	۴	۱۹	۵	۲۴	۲۱
۱۰ تکثیر در وصف	۶	۴۰	۵	۳۳	۲	۱۴	۲	۱۳	۱۵
۱۱ سوی و جانب	۲	۸	۷	۲۸	۱۲	۴۸	۴	۱۶	۲۵
۱۲ ظرفیت در مکان	۲	۲۰	۳	۳۰	۵	۵۰	۰	۰	۱۰
۱۳ ظرفیت در زمان	۸	۸۰	۰	۰	۰	۰	۲	۲۰	۱۰
۱۴ ظرفیت مجازی	۶	۵۵	۰	۰	۰	۰	۵	۴۵	۱۱

۱۵	توضیح	۰	۰	۳	۶۰	۱	۲۰	۱	۲۰	۵
۱۶	فصل و تمیز	۳	۶۰	۰	۰	۱	۲۰	۱	۲۰	۵
۱۷	مترادف به	۸	۲۲	۱۱	۳۱	۱۳	۳۶	۴	۱۱	۳۶
۱۸	مترادف بر	۰	۰	۱	۵۰	۱	۵۰	۰	۰	۲
۱۹	مترادف درباره	۱۳	۵۴	۰	۰	۳	۱۳	۸	۳۳	۲۴
۲۰	مقابله	۰	۰	۱	۱۷	۳	۵۰	۲	۳۳	۶
۲۱	مقدار و اندازه	۰	۰	۱	۵۰	۱	۵۰	۰	۰	۲
۲۲	موافقت و مطابقت	۳	۱۷	۲	۱۱	۱۳	۷۲	۰	۰	۱۸
۲۳	کسره اضافه	۱	۸	۳	۲۵	۲	۱۷	۶	۵۰	۱۲
۲۴	مقایسه	۰	۰	۰	۰	۳	۵۰	۳	۵۰	۶
۲۵	تعریف	۹	۲۶	۴	۱۱	۲۰	۵۷	۲	۶	۳۵
۲۶	برای	۰	۰	۰	۰	۱	۱۰۰	۰	۰	۱
۲۷	را	۱۶	۳۱	۷	۱۴	۲۰	۳۹	۸	۱۶	۵۱
۲۸	مجاوزت	۱۳	۲۰	۱۰	۱۵	۱۸	۲۷	۲۵	۳۸	۶۶
۲۹	مصاحبت	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱۰۰	۱

۳.۶ تحلیل توزیع فراوانی نسبی حرف اضافه «از» در نمودارها

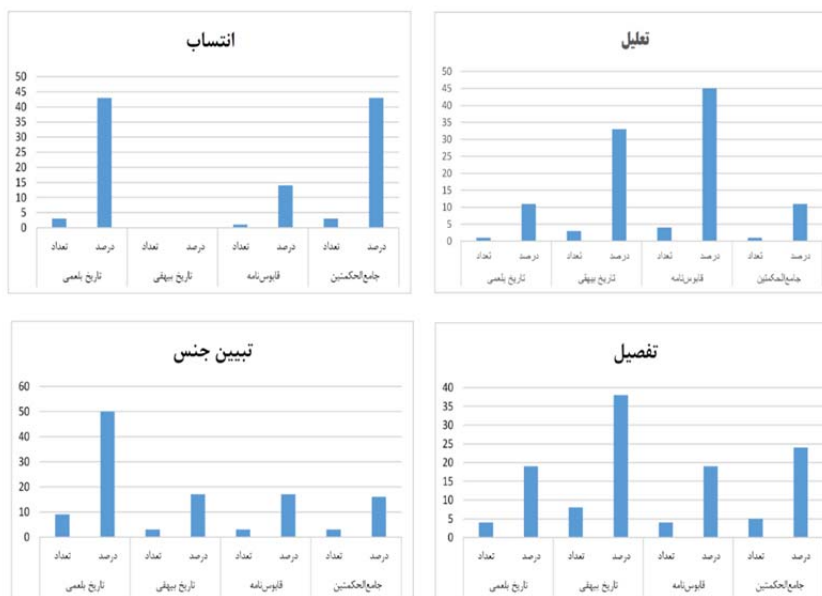
شکل شماره ۱ تا ۸ فراوانی معانی مختلف «از» در چهار کتاب مورد پژوهش نسبت به یکدیگر مقایسه شده است. که در ادامه هر یک از نمودارها به تفکیک تحلیل خواهد شد.



شکل ۲. مقایسه فراوانی «از» به معانی «اختصاص»، «ابتدای غایت در زمان»، «استعانت» و «تبعیض»

۱.۳.۶ تحلیل شکل شماره ۲

با توجه به شکل شماره ۲ حرف «از» به معنی «ابتدای غایت در زمان» است که معنی اصلی این حرف است. این معنی در مجموع ۲۱ بار حدود ۱۰۰ درصد در کتاب تاریخ بلعمی، نثر مرسل سامانی، به کار رفته است (ن.ک. شمیسا، ۱۳۹۳: ۴۳-۴۶). حرف «از» به معنی «اختصاص» در مجموع با ۳۷ بار، بیشترین سهم کاربرد آن با ۳۸ درصد در کتاب تاریخ بلعمی و کمترین کاربرد آن با ۱۳ درصد در کتاب تاریخ بیهقی است. براساس نمودار بیشترین کاربرد این معنی با فراوانی تجمعی نسبی ۶۰ درصد در دو کتاب نثر مرسل سامانی بوده است. حرف «از» به معنای «استعانت و واسطه» با مجموع ۲۷ بار تکرار بیشترین فراوانی را در دو کتاب قابوس نامه و تاریخ بیهقی به ترتیب با فراوانی نسبی ۵۲ و ۲۲ درصد داشته که بیانگر کاربرد بیشتر این حرف در معنی «استعانت و واسطه» در نثر بینابین است. بسامد این معنی در متون این دوره برای توضیح و شرح بیشتر جهت رفع ابهام است که به ویژگی اطناب در نثر دوره دوم اشاره دارد. جامع الحکمتین و تاریخ بلعمی به ترتیب با فراوانی نسبی ۱۵ و ۱۱ درصد بقیه این فراوانی را در برمی گیرد. «از» به معنای «تبعیض» در مجموع دو دوره با ۷۱ بار تکرار بیشترین فراوانی را با ۳۲ درصد در کتاب جامع الحکمتین و با ۳۰، ۲۵ و ۱۳ درصد فراوانی در کتابهای تاریخ بلعمی، تاریخ بیهقی و قابوس نامه دارد. در مقایسه دو دوره، «از» در معنی «تبعیض» با ۴۴ بار تکرار و فراوانی تجمعی ۶۲ درصد رتبه اول پرکاربردترین معنی در دوره اول را دارد. تعداد فراوانی این معنی به ویژگی سبکی تکرار در این بازه زمانی اشاره دارد.



شکل ۳. مقایسه فراوانی «از» به معانی «تعلیل»، «انتساب»، «تفصیل» و «تبیین جنس»

۲.۳.۶ تحلیل شکل شماره ۳

حرف «از» به معنای «تعلیل» در مجموع با فراوانی مطلق ۹، بیشترین تکرار را به ترتیب در قابوس‌نامه با فراوانی نسبی ۴۵ درصد و در تاریخ بیهقی با فراوانی نسبی ۳۳ درصد دارد. میزان بسامد این معنی در متون این دوره برای توضیح و شرح بیشتر جهت رفع ابهام است که به ویژگی اطناب در نثر دوره دوم اشاره دارد. هم‌چنین کمترین کاربرد آن در کتاب‌های تاریخ بلعمی و جامع‌الحکمتین به تساوی با ۱۱ درصد است. این حرف به معنی «انتساب» با مجموع ۷ بار تکرار و ۸۶ درصد در تاریخ بلعمی و جامع‌الحکمتین بیشترین کاربرد را دارد. این معنی در قابوس‌نامه ۱۱ درصد و در تاریخ بیهقی بدون کاربرد است.

«از» به معنی «تفصیل» در مجموع با ۲۱ بار تکرار با ۳۸ و ۲۴ درصد به تاریخ بیهقی و جامع‌الحکمتین تعلق دارد. کمترین فراوانی به تساوی به تاریخ بلعمی و قابوس‌نامه با ۱۹ درصد اختصاص می‌یابد. در مجموع بیشترین کاربرد این معنی با فراوانی تجمعی نسبی ۵۷ درصد به دو کتاب نثر بینابین (تاریخ بیهقی و قابوس‌نامه) تعلق می‌گیرد. بسامد این معنی در متون این دوره برای توضیح و شرح بیشتر جهت رفع ابهام است که به ویژگی اطناب در نثر دوره دوم اشاره دارد. حرف «از» به معنی «تبیین جنس» در مجموع با ۱۸ بار تکرار بیشترین

کاربرد را با فراوانی نسبی ۵۰ و ۱۶ درصد در کتاب‌های تاریخ بلعمی و جامع‌الحکمتین (نثر دوره سامانی) و ۳۴ درصد آن به دو کتاب نثر بینابین اختصاص دارد.



شکل ۴. مقایسه فراوانی «از» به معانی «سوی و جانب»، «تکثیر در وصف»، «ظرفیت زمانی و مکانی»

۳.۳.۶ شکل شماره ۴

با توجه به شکل شماره ۴ حرف «از» به معنای «سوی و جانب» در مجموع با ۲۵ بار تکرار در کتاب قابوس‌نامه ۴۸ درصد، تاریخ بیهقی ۲۸ درصد، جامع‌الحکمتین ۱۶ درصد و تاریخ بلعمی ۸ درصد کاربرد داشته‌است. در مجموع بیشترین تکرار این معنی در آثار نثر بینابین دوره غزنوی و سلجوقی اول (قابوس‌نامه و تاریخ بیهقی) و کمترین تکرار آن مربوط به دو اثر نثر مرسل دوره سامانی (جامع‌الحکمتین و تاریخ بلعمی) بوده‌است. هم‌چنین حرف «از» به معنای تکثیر در وصف بیشترین کاربرد را در کتاب جامع‌الحکمتین با فراوانی نسبی ۴۰ درصد و کمترین کاربرد را در کتاب جامع‌الحکمتین با فراوانی نسبی ۱۳ درصد داشته‌است. در مجموع بیشترین تکرار این معنی در جامع‌الحکمتین و تاریخ بلعمی با ۵۳ درصد و کمترین تکرار آن مربوط به دو کتاب نثر بینابین دوره غزنوی و سلجوقی اول (قابوس‌نامه و تاریخ بیهقی) با ۴۷ درصد بوده‌است. حرف «از» در معنی «ظرفیت در زمان» در مجموع با ۱۰ بار تکرار فقط در دو کتاب نثر مرسل دوره سامانی مشاهده‌شد. تاریخ بلعمی با ۸۰ و جامع‌الحکمتین با ۲۰ درصد و در مجموع ۱۰۰ درصد این معنی را به خود اختصاص دادند.

در دو کتاب نثر بینابین دوره غزنوی و سلجوقی اول (تاریخ بیهقی و قابوس‌نامه) موردی برای این معنی مشاهده نشد. حرف «از» در معنی «ظرفیت در مکان» بیشترین فراوانی را در کتاب‌های نثر بینابین دوره غزنوی و سلجوقی اول (قابوس‌نامه و تاریخ بیهقی) به ترتیب با ۵۰ و ۳۰ درصد، و در کتاب تاریخ بلعمی (نثر مرسل) با ۲۰ درصد به خود اختصاص داده است. در دیگر کتاب نثر مرسل سامانی، جامع‌الحکمتین، موردی برای این معنی مشاهده نشد.



شکل ۵. مقایسه فراوانی «از» به معانی «فصل و تمیز»، «ظرفیت مجازی»، «درباره» و «به»

۴.۳.۶ شکل شماره ۵

با توجه به شکل شماره ۵ حرف «از» در معنی «فصل و تمیز» در مجموع با ۵ بار تکرار بیشترین کاربرد را با فراوانی تجمعی ۸۰ درصد در دو کتاب تاریخ بلعمی و جامع‌الحکمتین (نثر مرسل دوره سامانی) به ترتیب با فراوانی نسبی ۶۰ و ۲۰ درصد به خود اختصاص داده است. هم‌چنین در قابوس‌نامه (نثر بینابین دوره غزنوی و سلجوقی اول) ۲۰ درصد فراوانی این معنی به کار رفته است. این معنی «از» در کتاب تاریخ بیهقی یافت نشد. حرف «از» در معنای «ظرفیت مجازی» در مجموع با ۱۱ بار تکرار و فراوانی ۱۰۰ درصد فقط در دو کتاب نثر مرسل دوره سامانی مشاهده شد. ۵۵ درصد فراوانی این معنی در کتاب تاریخ بلعمی و ۴۵ درصد آن در کتاب جامع‌الحکمتین به کار رفته است. در دو کتاب نثر

بینابین دوره غزنوی و سلجوقی اول موردی برای این معنی مشاهده نشد. حرف «از» در معنی «درباره» در مجموع با ۲۴ بار تکرار بیشترین فراوانی را در تاریخ بلعمی با ۵۴ درصد، جامع‌الحکمتین ۳۳ درصد و در قابوس‌نامه ۱۳ درصد بوده است. موردی برای این معنی در کتاب تاریخ بیهقی مشاهده نشد. در مجموع ۸۷ درصد این معنی به دو کتاب نثر مرسل دوره سامانی تعلق داشته است. «از» به معنی «به» در مجموع با ۳۶ بار تکرار بیشترین فراوانی کاربرد آن در کتاب‌های نثر بینابین است. کاربرد این معنی در قابوس‌نامه ۳۶ درصد، تاریخ بیهقی ۳۱ درصد، تاریخ بلعمی ۲۲ درصد و جامع‌الحکمتین ۱۱ درصد بوده است. در مجموع بیشترین تکرار این معنی با فراوانی تجمعی ۶۷ درصد مربوط به کتاب‌های نثر بینابین، و کمترین کاربرد آن با فراوانی تجمعی ۳۳ درصد مربوط به کتاب‌های نثر مرسل سامانی است. در مقایسه دو دوره، دو معنی «از»: «به» و «تعریف» به اشتراک رتبه چهارم پرکاربردترین معنی «این حرف را در دوره دوم دارند



شکل ۶. مقایسه فراوانی «از» به معانی «موافقت و مطابقت»، «مقابله»، «کسره اضافه» و «مقایسه»

۵.۳.۶ شماره ۶

با توجه به نمودار، حرف «از» در معنی «موافقت و مطابقت» در مجموع با ۱۸ بار تکرار بیشترین کاربرد را در قابوس‌نامه (نثر بینابین دوره غزنوی و سلجوقی اول) با فراوانی نسبی ۷۲ درصد داشته است. تاریخ بلعمی (نثر مرسل دوره سامانی) با ۱۷ درصد و تاریخ بیهقی (نثر بینابین دوره غزنوی و سلجوقی اول) با ۱۱ درصد به ترتیب بیشترین کاربرد این معنی

را به خود اختصاص داده‌اند. در مجموع ۸۳ درصد این معنی مربوط به دو کتاب نثر بینابین بوده‌است. برای این معنی موردی در کتاب جامع‌الحکمتین مشاهده‌نشد.

حرف «از» در معنای «مقابله» در مجموع با ۶ بار تکرار بیشترین فراوانی آن متعلق به کتاب قابوس‌نامه با فراوانی نسبی ۵۰ درصد؛ و جامع‌الحکمتین با ۳۳ و تاریخ بیهقی با ۱۷ درصد در جایگاه‌های بعد قرار دارند. در مجموع بیشترین کاربرد این معنی مربوط به دو کتاب نثر بینابین با ۶۷ است. موردی برای این معنی در کتاب تاریخ بلعمی مشاهده‌نشد.

حرف «از» در معنی «کسره اضافه» در مجموع با ۱۲ بار تکرار بیشترین کاربرد را در کتاب جامع‌الحکمتین با فراوانی نسبی ۵۰ درصد و کمترین کاربرد را در کتاب تاریخ بلعمی با فراوانی نسبی ۸ درصد داشته‌است. در مجموع دو کتاب نثر مرسل سامانی ۵۸ درصد و دو کتاب نثر بینابین ۴۲ درصد این معنی را به خود اختصاص داده‌اند. حرف «از» در معنای «مقایسه» در مجموع با ۶ بار تکرار فقط در کتاب قابوس‌نامه و جامع‌الحکمتین به تساوی با فراوانی نسبی ۵۰ درصد به کار رفته‌است. موردی برای این معنی در دو کتاب دیگر نثر مرسل و بینابین (تاریخ بلعمی و تاریخ بیهقی) مشاهده‌نشد.



شکل شماره ۷: مقایسه فراوانی «از» به معانی «تعریف»، «نشانه مفعولی»، «مجاوزت» و «ابتدای غایت در مکان»

۶.۳.۶ شکل شماره ۷

با توجه به نمودار حرف «از» در معنی «تعریف» در مجموع با ۳۵ بار تکرار بیشترین کاربرد را به ترتیب در قابوس‌نامه با ۵۷ درصد، تاریخ بلعمی با ۲۶ درصد، تاریخ بیهقی با ۱۱ درصد و جامع‌الحکمتین با ۶ درصد داشته‌است. ۶۸ درصد فراوانی این معنی به دو کتاب دوره اول اختصاص می‌یابد. در مقایسه دو دوره، دو معنی «از»: «تعریف» و «به» به‌اشتراک رتبه چهارم پرکاربردترین معنی «این حرف را در دوره دوم به‌خود اختصاص داده‌اند.

حرف «از» در معنی «نشانه مفعولی را» با ۵۱ بار تکرار در مجموع دو دوره بیشترین کاربرد را در کتاب قابوس‌نامه با فراوانی نسبی ۳۹ درصد و کمترین کاربرد را در کتاب تاریخ بیهقی با فراوانی نسبی ۱۴ درصد دارد. در مجموع ۵۳ درصد فراوانی این معنی به دو کتاب نثر بینابین (قابوس‌نامه و تاریخ بیهقی) تعلق دارد. در مقایسه دو دوره، «از» در معنی «نشانه مفعولی را» رتبه سوم پرکاربردترین معنی این حرف را در دوره دوم به‌خود اختصاص داده‌است. «از» در معنی «مجاوزت» با ۶۶ بار تکرار در مجموع دو دوره بیشترین کاربرد این معنی را به ترتیب در کتاب‌های جامع‌الحکمتین با ۳۸ درصد، قابوس‌نامه با ۲۷ درصد، تاریخ بلعمی با ۲۰ درصد و تاریخ بیهقی با ۱۵ درصد داشته‌است. در مجموع ۵۸ درصد فراوانی این معنی به دو کتاب نثر مرسل دوره سامانی تعلق دارد. در مقایسه دو دوره، «از» در معنی «مجاوزت» رتبه دوم پرکاربردترین معنی این حرف را در دوره اول دارد. «از» در معنی اصلی خود «ابتدای غایت در مکان» در مجموع با ۱۳ بار تکرار و فراوانی نسبی ۷۷ درصد بیشترین کاربرد را در تاریخ بیهقی دارد. تاریخ بلعمی و جامع‌الحکمتین به ترتیب با ۱۵ و ۸ درصد بقیه این فراوانی را دارند. در کتاب قابوس‌نامه موردی برای این معنی مشاهده‌نشد.



شکل ۸. مقایسه فراوانی «از» به معانی «توضیح»، «مقدار و اندازه»، «برای»، «بر» و «مصاحبت و معیت»

۷.۳.۶ شکل شماره ۸

با توجه به نمودار حرف «از» در معنی «توضیح» در مجموع با ۵ بار تکرار بیشترین کاربرد را در کتاب تاریخ بیهقی با فراوانی ۶۰ درصد داشته‌است. کتاب‌های نثر بینابین قابوس‌نامه و نثر مرسل جامع‌الحکمتین هرکدام ۲۰ درصد فراوانی این معنی را به خود اختصاص داده‌اند. در کتاب نثر مرسل تاریخ بلعمی موردی برای این معنی مشاهده‌نشد. در مجموع ۸۰ درصد این معنی مربوط به دو کتاب نثر بینابین دوره غزنوی و سلجوقی اول (قابوس‌نامه و تاریخ بیهقی) بوده‌است که کاربرد آن برای توضیح و شرح بیشتر متون جهت رفع ابهام بوده‌است و به ویژگی اطناب در نثر دوره دوم اشاره دارد. حرف «از» در معنی «مقدار و اندازه» در مجموع با ۲ بار تکرار فقط در دو کتاب نثر بینابین دوره غزنوی و سلجوقی اول به تساوی با فراوانی نسبی یکسان ۵۰ درصد به کار رفته‌است. موردی برای این معنی در دو کتاب نثر مرسل دوره سامانی یافت‌نشد. حرف «از» در معنی «برای» در مجموع با ۱ بار تکرار فقط در یک کتاب نثر بینابین دوره غزنوی و سلجوقی اول (قابوس‌نامه) ۱۰۰ درصد به کار رفته‌است. حرف «از» در معنی «بر» در مجموع با ۲ بار تکرار فقط در دو کتاب نثر دوره غزنوی و سلجوقی اول (تاریخ بیهقی و قابوس‌نامه) با فراوانی یکسان به کار رفته‌است. هم‌چنین حرف «از» در معنی «مصاحبت و معیت» فقط یکبار در کتاب جامع‌الحکمتین (نثر دوره سامانی) به کار رفته‌است و در دیگر آثار منتخب بدون کاربرد بوده‌است.

۴.۶ تحلیل فراوانی حرف «از» در مجموع فراوانی چهار کتاب به تفکیک معانی

در نمودار دایره‌ای (شکل شماره ۹) حرف «از» در ۲۹ معنی مختلف در آثار بررسی شده‌است. با توجه به این نمودار بیشترین کاربرد حرف «از» در کل آثار به ترتیب مربوط به معانی «تبعیض» ۷۱ بار، «مجاوزت» ۶۶ بار و «نشانه مفعولی را» ۵۱ بار؛ و کمترین کاربرد آن در آثار به معانی «برای» و «مصاحبت و معیت» به تساوی ۱ بار بوده‌است.



شکل ۹. نمودار دایره‌ای فراوانی مطلق حرف اضافه «از» در مجموع چهار کتاب به تفکیک معانی

۷. نتیجه‌گیری

نتایج نشان داده‌است که در مقایسه دو دوره، بسامد «از» در دو کتاب دوره اول ۵۱/۳۴ درصد و در دو کتاب دوره دوم ۴۸/۶۶ درصد است. در مجموع دو دوره بیشترین و کمترین بسامد «از» به تاریخ بلعمی با ۲۹/۷۴ درصد و تاریخ بیهقی با ۱۹/۶۴ اختصاص داشته‌است. بیشترین فراوانی کاربرد معانی حرف اضافه «از» با مقایسه دو دوره با یکدیگر به «تبعیض» با ۴۴ بار تکرار در رتبه نخست و «مجاوزت» با ۳۸ بار تکرار در رتبه دوم به مجموع دو کتاب دوره اول (تاریخ بلعمی و جامع‌الحکمتین) و «از» در معنی «نشانه مفعولی را» با ۲۷ بار تکرار در رتبه سوم، و دو معنی «به» و «تعریف» به تساوی با ۲۴ بار تکرار در رتبه چهارم به مجموع دو کتاب دوره دوم (تاریخ بیهقی و قابوس‌نامه) تعلق داشته‌است. کمترین کاربرد معنی «از» با یکبار تکرار به معانی «توضیح» و «مصاحبت» در دو کتاب دوره اول، و «انتساب»، «فصل و تمیز» و «برای» به دو کتاب دوره دوم اختصاص داشته‌است.

این نتیجه حاکی از آن است که ویژگی تکرار که خاص نثر سامانی است در دو اثر دوره اول مشهود است. این دو کتاب حاوی جمله‌های کوتاه و موجز هستند که کاربرد فراوان حرف اضافه از جمله «از»، مورد نیاز گروه‌های مختلف دستوری این جمله‌ها است. در مقابل دو کتاب دوره دوم (تاریخ بیهقی و قابوس‌نامه) از جمله متون شاخص سبک بینابین (مرسل

عالی) هستند که هم از ویژگی‌های نثر دوره سامانی وهم غزنوی برخوردار هستند. این دو کتاب دوره دوم ادامه‌دهنده سبک نثر مرسل دوره اول هستند. بسامد کمتر حرف «از» در این دو کتاب به جهت سبک خاص آنهاست. تنوع معانی «از»، عدم تمرکز در معانی و پراکندگی آنها نیز ناشی از ویژگی اطناب در این دو اثر است؛ اما اطنابی که نه تنها ملال‌آور نیست بلکه پسندیده و زیباست زیرا هدف این دو نویسنده به‌ویژه بیهقی، از کاربرد این ویژگی در نثر، مضمون‌یابی و ممانعت از تکرار است. آنها قصد داشته‌اند معانی حروف اضافه از جمله «از» را متنوع به کار ببرند و یک معنی را به دفعات تکرار نکنند. در مجموع فراوانی کاربرد معانی «از» در این دو اثر تقریباً همانند دو کتاب دوره اول مشاهده شد ولی اندک سیر نزولی آن به علت خودداری و احتراز نویسندگان از تکرار کاربرد معانی «از» بوده است.

در آثار دوره اول نثر دو معنی «تبعیض» و «مجاوزت» به ترتیب از پرکاربردترین معانی «از» هستند که دو خصیصه سبکی تکرار و کوتاهی جمله‌ها و در نتیجه، نیاز گروه‌های مختلف جمله به حرف اضافه، عامل این بسامد و تعدد کاربرد معانی «از» را فراهم کرده است. در دوره دوم همین دو معنی (تبعیض و مجاوزت) در صدر معانی پرکاربرد «از» محسوب می‌شوند ولی به جهت ویژگی اطناب، حذف، امتناع از تکرار و خلق و نوآوری، بسامد و فراوانی کاربرد معانی این حرف اضافه نسبت به دوره اول اندکی کاهش داشته است. دو معنی (تبعیض و مجاوزت) هنگام مقایسه مجموع معانی «از» در تقابل با یکدیگر هم‌چنان در جایگاه پرکاربردترین معانی «از» در دو دوره اول و دوم نثر فارسی قرار می‌گیرند. هم‌چنین از شباهت‌های سبکی دو دوره استعمال ۲۹ معنی «از» در هر چهار کتاب بوده است که این کارکرد در مقایسه دو دوره نثر فارسی با یکدیگر تقریباً با تفاوت‌های اندک به صورت یکسان بوده است اما استعمال برخی از این معانی در تقابل با یکدیگر دستخوش پراکندگی و ناهماهنگی شده است.

کتاب‌نامه

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۹۲)، دستور تاریخی مختصر زبان فارسی، چاپ دهم، تهران: سمت.
احمدی‌گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۶۸)، دستور زبان فارسی، جلد ۲، چاپ اول، تهران: فاطمی.
امین‌مدنی، صادق (۱۳۹۴)، دستور توصیفی فارسی معاصر، چاپ اول، تهران: توتیا.
باقری، مه‌ری (۱۳۹۳)، مقدمات زبان‌شناسی، چاپ هیجدهم، تهران: قطره.

بلعمی، ابوعلی (۱۳۷۸)، تاریخنامه طبری، جلد ۲، چاپ دوم، به تصحیح محمد روشن، تهران: سروش.

بهار، محمدتقی (ملک الشعرا)، (۱۳۳۷)، سبک شناسی، جلد ۲، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

بیهقی، ابوالفضل (۱۳۹۰)، تاریخ بیهقی، چاپ پنجم، به تصحیح علی اکبر فیاض، به اهتمام محمدجعفر یاحقی، مشهد: دانشگاه فردوسی.

چنگیزی، احسان (۱۳۹۷)، «نقش‌های معنایی حرف اضافه «از» در زبان فارسی»، مطالعات ایرانی، دوفصلنامه علمی-ترویجی (علوم انسانی) مطالعات ایرانی، ش ۳۳.

چنگیزی، احسان و سمیه‌السادات هاشمی‌کمانگر (۱۳۹۵)، «حرف اضافه /از/ در گونه بابلی زبان مازندرانی»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی زبان و زبان‌شناسی، ش ۲۴.

خطیب‌رهبر، خلیل (۱۳۶۷)، دستور زبان فارسی، کتاب حروف اضافه و ربط، چاپ دوم، تهران: سعدی.

خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی، چاپ دوازدهم، تهران: ستوده.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.

روی‌نچیک، یوری آرنوویچ (۱۳۹۱)، دستور زبان ادبی معاصر فارسی، ترجمه مریم شفق، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

زاهدی، کیوان و عاطفه محمدی‌زیارتی (۱۳۹۰)، «شبکه معنایی حرف اضافه فارسی «از» در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی»، فصلنامه علمی-پژوهشی تازه‌های علوم شناختی، ش ۴۹.

شمیسا، سیروس (۱۳۹۳)، سبک‌شناسی نثر، چاپ سوم، تهران: میترا.

عصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندرین قابوس (۱۳۶۴)، قابوس‌نامه، چاپ سوم، با مقدمه و تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: علمی و فرهنگی.

غلامعلی‌زاده، خسرو (۱۳۸۲)، ساخت زبان فارسی، چاپ چهارم، تهران: احیا کتاب.

فرشیدورد، خسرو (۱۳۹۳)، دستور مختصر تاریخی زبان فارسی، چاپ پنجم، تهران: زوآر.

گلفام، ارسلان، مصطفی عاصی، فردوس آقاگل‌زاده و فاطمه یوسفی‌راد (۱۳۸۸)، «بررسی حرف اضافه از در چارچوب معناشناسی شناختی و مقایسه آن با رویکرد سنتی»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی زبان و زبان‌شناسی، ش ۱۰.

لازارد، ژیلبرت (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی معاصر، ترجمه مهستی بحرینی، چاپ اول، تهران: هرمس.

مدرسی، فاطمه (۱۳۸۷)، از واج تا جمله، فرهنگ زبان‌شناسی - دستوری، چاپ دوم، تهران: چاپار.

معین، محمد (۱۳۶۴)، فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر.

ناتل‌خانلری، پرویز (۱۳۹۵)، تاریخ زبان فارسی، جلد ۳، چاپ دهم، تهران: فرهنگ نشر نو.

ناصرخسرو قبادیانی بلخی، ابومعین (۱۳۶۳)، جامع‌الحکمتین، چاپ دوم، به کوشش محمد معین و هنری گربن، تهران: طهوری.

وحیدی فردوسی، طاهره، علی‌علیزاده و زهرا بادامدری (۱۳۹۶)، «درس‌نامه آموزش حروف اضافه با رویکرد معنی‌شناسی شناختی برای آموزش به غیر فارسی‌زبانان (مطالعه موردی: حرف اضافه «از»)»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، ش ۱۷.

Yule, Georg (2010), *study of language*, Published in the United States of America by Cambridge University Press, New York.

Bibliography:

- Abolghasemi, Mohsen (2013), *A brief historical grammar of Persian*, 10th Edition, Tehran: Samt.
- Ahmadi Givi, Hasan, Anvari, Hasan (1988), *Persian Grammer*, Vol. 2, First Edition, Tehran: Fatemi.
- Amin Madani, Sadegh (2015), *Descriptive structure of contemporary Persian*, First Edition, Tehran: Tutia.
- Bagheri, Mehri (2014), *Introductions to linguistics*, Eighteenth Edition, Tehran: Ghatreh.
- Bahār, Mohammad-Taqi (Malek o-Sho'arā) (1958), *Stylistics*, Vol. 2, Second Edition, Tehran: Amir Kabir.
- Belami, Abu Ali (1999), *Tarikh-Nameh-e-Tabari*, Volumes 1 and 2, Second Edition, Corrected by Mohammad Roshan, Tehran: Soroush.
- Beyhaqi, Abolfazl (2011), *Tarikh-e Beyhaqi*, Fifth Edition, corrected by Ali-Akbar Fayyaz, by Mohammad Jafar Yahaghi, Mashhad: Ferdowsi University.
- Changizi, Ehsan (2018), "Semantic Roles of Preposition" az "in Farsi", *Iranian Studies*, Two scientific quarterly journals, (Humanities), *Iranian Studies*, NO. 33.
- Changizi, Ehsan, Somaieh Sadat Hashemi Kamangar (2016), "Preposition / ja / in the Babolian Language of Mazandaran", *Two quarterly journals of Scientific-Research language and linguistic*, No. 24.
- Dekhoda, Ali- Akbar (1958), *The Dekhoda Dictionary*, Tehran: Tehran University.
- Farshidvard, Khosrow (2014), *A Brief Historical Grammer of Persian language*, Fifth Edition, Tehran: Zavvar.
- Gholamalizadeh, Khosrow (2003), *Making Persian Language*, Fourth Edition, Tehran: Ehia Ketab.
- Gulfam, Arsalan, Mostafa Assi, Ferdows Aghagolzadeh, Fatemeh Yousefi Rad (2009), "Surveying the Preposition of "az" in the Framework of Cognitive Semantics and Comparing it with the Traditional Approach", *Two quarterly journals of Scientific-Research Language and Linguistics*, No. 10.
- Khayyampour, Abdolrasoul (2005), *Persian Grammer*, Twelfth Edition, Tehran: Sotoudeh.
- Khatib- Rahbar, Khalil (1988), *Persian Grammer, Preposition & Conjunction Book*, Second Edition, Tehran: Sa'di.
- Lazard, Gilbert (2005), *Contemporary Persian Grammer*, Mahasti Bahreini Translation, First Edition, Tehran: Hermes.

- Modaresi, Fatemeh (2008), Az Phoneme to Sentence, Linguistic – Grammer Dictionary, Second Edition, Tehran: Chapar.
- Moein, Mohammad (1985), Urban Dictionary, Tehran: Amir Kabir.
- Naser Khosrow, Ghobadiyani Balkhi, Abu Moein (1984), Jame'ol-Hekmatain, Second Edition, by Mohammad Moein and Henry Corbin, Tehran: Tahouri.
- Natel khanlari, Parviz (2016), History of Persian language, vol. 3, Tenth Edition, Tehran:Farhang- Nashr-e Nou.
- Onsor Al-Maali, Keykavus Ebn Eskandar Ebn Qabus (1985), Qabus-Nameh, Third Edition, with Introduction and Correction of Gholam Hossein Yousefi, Tehran: Scientific and Cultural.
- Rubinchik, Iurii Aronovich (2012), Modern Contemporary Literary Grammer, Translated by Maryam Shafaghi, First Edition, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Shamisa, Sirous (2014), Stylistics of Prose, Third Edition, Tehran: Mitra.
- Vahidi Ferdowsi, Tahereh, Ali Alizadeh and Zahra Badamdari (2017) "The Teaching of Preposition in Cognitive Semantic Approach to Non- Persian Speakers (Case Study: Preposition "az")", Two quarterly journals Scientific-Research Linguistics and Dialects of Khorasan, No. 17.
- Yule, Georg (2010), study of language, Published in the United States of America by Cambridge University Press, New York.
- Zahedi, Keivan and Atefeh Mohammadi Ziarati (2011), "Semantic Network of Persian Preposition" az "Within the Cognitive Semantics", Quarterly journal of Scientific-Research Series of Cognitive Sciences, No. 49.